

بازشناسی رویدادهای اسفبار در شعاع شعر فاطمه علیها السلام

متحمل شد. او در سال پنجم بعثت، هنگامی دیده به جهان گشود که پدر بزرگوارش از سوی کفار قریش و حتی خویشاوندانش، مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفت و جبهه‌گیری کفار قریش در مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله، روز به روز بیشتر می‌شد تا جایی که آن حضرت ناگزیر شد به همراه یاران و بستگان خود، در شعب ابی طالب پناه گیرد و در آن دره خشک و سوزان و در فضایی آکنده از بیم و وحشت، زندگی را ادامه دهد که در هر شب تار آن احتمال هجوم دشمن می‌رفت. در این شرایط سخت که گرسنگی بر همه ساکنان آنجا سایه افکنده بود و کودکان را بیش از همه رنج می‌داد، حضرت زهرا علیها السلام از جمله کودکانی بود که شاهد این وضع اسفبار بودند و خود نیز گرسنگی و این همه فشارها را با جان پذیرا بود.

چرخ روزگار به گردش خود ادامه می‌داد در حالی که زندگی دخت فرزانه پیامبر صلی الله علیه و آله، همچنان با رویدادهای تکان‌دهنده و حزن‌انگیز آمیخته می‌گشت. یکی از این حوادث غم‌انگیز، رحلت جانگداز مادر گرامی‌اش حضرت خدیجه علیها السلام بود. فاطمه علیها السلام در پنجمین بهار زندگی بود که با این حادثه جانکاه مواجه شد و برای همیشه از مهر و عطف مادری همچون خدیجه، محروم گشت.

حسن عبداللهی

عضو هیأت علمی دانشگاه

تربیت معلم سبزوار

مقدمه

فاطمه زهرا علیها السلام در مدت عمر کوتاه ولی بسیار با برکتش، سختیها و رنجهای فراوانی

حادثه دیگر هجرت رسول خدا ﷺ است. در ليله المبيت که دشمنان، همدستان شدند تا آن حضرت را در اقامتگاهش به قتل رسانند، فاطمه ﷺ در خانه پدر بود و لحظه‌های انتظار هجوم ناجوانمردانه دشمن را تجربه کرد و خدا می‌داند که در آن شب سخت چه بر وجود گرانبمایه‌اش گذشته بود.

پس از هجرت رسول خدا ﷺ، اگر چه روز به روز پایه‌های اقتدار پدر گرامی‌اش در مدینه مستحکم‌تر شد، اما با توجه به جنگهای فراوانی که در آن چند سال رخ داد و در برخی از این جنگها خود حضرت نیز حضور داشتند و در اکثر قریب به اتفاق این جنگها امام علی ﷺ شوهر گرانقدر فاطمه ﷺ نیز حضور فعال داشت و هر لحظه احتمال خطر برای آن دو گرامی وجود داشت، فاطمه زهرا ﷺ نه تنها زندگی آرامی نداشت، بلکه این دوران از زندگانی او توأم با سختیها و مشکلات فراوان بود؛ مثلاً در جنگ احد، با بدن غرقه به خون و مثله شده حمزه و دندانهای شکسته پدر و چهره خونین همسرش رو به رو گردید.

اما غم‌انگیزترین ایام زندگانی زهرا ﷺ در مدینه از لحظه‌ای آغاز شد که روح بلند رسول خدا ﷺ به ملکوت اعلی پیوست. از دست رفتن پدر، با توجه به رابطه عمیق و بی نظیری

که بین این پدر و دختر وجود داشت، بزرگ‌ترین ضربه را بر روح لطیف و پاک فاطمه ﷺ وارد کرد.

دومین مسئله‌ای که غم و اندوه فاطمه ﷺ را شدت بخشید، انحراف در زعامت جامعه اسلامی بود و آن بانوی گرامی در این راه، آن قدر استقامت و پافشاری ورزید که به ضرب و جرح و در نهایت به شهادت وی انجامید.

سومین مسئله حزن‌افزا، محروم شدن فاطمه و اولاد او، از ملک ارزشمندی بود که رسول خدا ﷺ آن را به فاطمه ﷺ بخشیده بود.

مسئله دیگری که فاطمه ﷺ را به شدت رنج می‌داد، سکوت مهاجران و انصار، در مقابل حق پایمال شده او و همسرش بود که در این خصوص نه تنها هیچ گونه اقدامی نکردند، بلکه به گفته‌های گهربار و آتشین آن حضرت هم وقعی ننهادند.

اینها مسائلی بود که دست به دست هم دادند و باعث شدند که فاطمه زهرا ﷺ پس از مرگ پدر غم‌بارترین ایام زندگانی‌اش را سپری کند و داغ او روز به روز تازه‌تر شود و تا آخرین لحظه‌های حیاتش اشک دیدگانش خشک نشود. بدین سان اگر زندگانی حضرت زهرا ﷺ را به سه دوره تقسیم کنیم:

الف - دوران زندگی آن حضرت در مکه، قبل

از هجرت.

ب - دوران زندگی آن حضرت در مدینه تا رحلت پیامبر ﷺ

ج - دوران زندگی آن حضرت بعد از رحلت پیامبر ﷺ

دوران اول زندگانی حضرت زهرا ﷺ اگر چه همراه با مشکلات فراوان بود و آن حضرت سختیهای فراوانی را تحمل می‌کرد؛ اما وجود پدر عالیقدری همچون رسول خدا ﷺ و مادری بسیار ارزشمند و گرانمایه همچون خدیجه ﷺ و بزرگان و قدرتمندانی همچون ابوطالب و حمزه مایه آرامش خاطر وی بود و هرگونه مشکل و سختی با وجود این بزرگواران در نظر فاطمه ﷺ کوچک می‌نمود.

دوران دوم زندگانی آن حضرت نیز با مشکلات چندی همراه بود، ولی این دوران از بهترین ایام زندگانی آن حضرت محسوب می‌شود؛ به ویژه پس از ازدواج با همسری برومند و شایسته، همچون علی بن ابی طالب ﷺ. فاطمه زهرا ﷺ در این مدت در کنار بهترین پدر و برترین شوهر و محبوب‌ترین فرزندان در نهایت عزت و احترام به سر می‌برد.

اما دوران سوم زندگانی حضرت زهرا ﷺ، دورانی است که در آن جز غم و اندوه بهره او نگردید و در تمام این مدت، حتی یک روز

خوش هم در زندگی آن حضرت دیده نمی‌شود.

فاطمه ﷺ در دوران مختلف زندگی خویش، اشعاری را سروده است که بیشترین آنها مربوط به دوره سوم زندگی آن حضرت می‌باشد. ما در این مقاله، نخست به اثبات این مطلب

پرداخته‌ایم که چرا فاطمه ﷺ قبل از این دوران که بیشترین ایام زندگانی آن حضرت را به خود اختصاص می‌دهد، اشعار بسیار اندکی سروده است؛ اما در دوران سوم زندگی آن بانوی گرامی که به صدر روز هم نمی‌رسد، اشعار فراوانی بر زبان مبارکش جاری شده است؛ سپس به بررسی و تبیین مسائل بسیار مهمی پرداخته‌ایم که فاطمه ﷺ آنها را در قالب اشعار زیبا و جالب خود بیان کرده است؛ به طوری که بسیاری از آنها، نمایانگر غمهای جانسوز و دردهای بی‌پایان فاطمه و نیز بیانگر حوادث اسفباری است که بعد از رحلت رسول خدا ﷺ بر جهان اسلام وارد شده است.

شناسایی متنهای بر جای مانده از شعر

فاطمه ﷺ

در لابلای کتابها و منابع معتبر اسلامی اشعار زیبایی را می‌یابیم که آنها را به فاطمه زهرا ﷺ نسبت داده‌اند. بسیاری از این اشعار، از سروده‌های خود حضرت صدیقه کبری ﷺ

است و در مواردی هم آن حضرت، در مناسبت‌های مختلف به اشعار دیگران تمثیل جسته است. البته در موارد اندکی هم درباره این موضوع که شعر از خود حضرت است یا بدان تمثیل جسته است، اختلاف نظر وجود دارد.

اشعار منسوب به فاطمه زهرا علیها السلام به صورت پراکنده، در کتابهایی همچون بحار الأنوار علامه مجلسی، مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب، کشف الغمّه علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی، الغدیر علامه امینی، احتجاج طبرسی، تذکره النساء ابن ابی طیفور، امالی شیخ مفید، امالی شیخ صدوق، طبقات ابن سعد، احقاق الحق سید نورالله حسینی مرعشی شوشتری و دهها منبع معتبر دیگر ذکر شده است. در برخی از تازه‌ترین پژوهشها تعدادی از محققان این اشعار را از لابلائی کتابهای متعدد استخراج کرده و آنها را در یک مجموعه قرار داده‌اند؛ از جمله کسانی که به این کار اقدام نموده، سلمان الجبوری است. وی اشعار منسوب به حضرت زهرا علیها السلام را در کتاب کوچکی به نام دیوان فاطمه الزهراء به چاپ رسانیده و خطیب شیخ علی حیدر المؤید اشعار منسوب به حضرت را در دیوان اهل البیت ذکر کرده است. مؤسسه البعثه در لبنان نیز اشعار منسوب به فاطمه زهرا علیها السلام را در آغاز کتاب فاطمه الزهراء علیها السلام فی دیوان الشعر العربی آورده است. آقای محمد دشتی نیز برخی از قطعه‌های شعری منسوب به فاطمه علیها السلام را در کتاب فرهنگ سخنان حضرت فاطمه الزهراء ذکر کرده

است.

فاطمه زهرا علیها السلام، در تاریخ ادبیات عرب، به عنوان یک شاعر مطرح نیست؛ زیرا او در صدد سرودن شعر نبوده و رسالت آن بزرگ بانوی دو عالم، چیزی دیگری بوده است، ولی از آنجا که در دوران سوم زندگی آن حضرت، بعد از رحلت پدر گرامی‌اش مصیبت‌های متعدد و طاقت‌فرسایی، یکی پس از دیگری، روح بلند فاطمه علیها السلام را به شدت آزار می‌داد، سبب شد که فاطمه علیها السلام احساساتش جریحه‌دار شود و درد دلها و غمهای جانکاه خود را در قالب اشعار بیان کند و به همین جهت، بیشترین اشعار منسوب به وی در سوگ پدر و شکوه از ستمهایی است که به وی شده است. البته قبل از رحلت جانگداز پدر بزرگوارش هم ابیاتی را سروده که بسیار اندک است؛ مثلاً در شب ازدواجش، در لحظه‌های آغازین زندگی، شوهر بی‌نظیر خود را این گونه می‌ستاید:

أَصْحَى الْفِيخَارُ لَنَا وَ عَزُّ شَامِخٍ
وَ لَقَدْ سَمَوْنَا فِي بَنِي عَدْنَانَ
نَلَّتْ الْعَلَا وَ عَلَوْتَ فِي كُلِّ الْوَرَى
وَ تَقَاصَرْتَ عَنْ مَجْدِكَ الثَّقَلَانِ
أَعْنِي عَلِيًّا خَيْرٌ مِنْ وَطْأِ الثَّرَى
ذَا الْمَجْدِ وَ الْإِفْضَالِ وَ الْإِحْسَانِ
فَلَهُ الْمَكَارِمُ وَ الْمَعَالِي وَ الْحِجَابِ
مَا نَاحَتْ الْأَطْيَارُ فِي الْأَغْصَانِ^۱

۱ - محمد دشتی، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه الزهراء،

افتخار و عزت والا، از آن ما شد و ما، در میان فرزندان «عدنان» سربلند شدیم.

تو به بزرگی و برتری رسیدی و از همه آفریده‌ها والاتر شدی و جنّ و انس از عظمت تو عقب ماندند.

منظورم «علی» است؛ یعنی بهترین کسی که گام بر خاک نهاده است، آن کسی که دارای مجد و عظمت و احسان و نیکی است.

والایه‌های اخلاقی و بزرگیها و بخشش از آن اوست، تا آن‌گاه که مرغان بر شاخه‌ها به ترنم مشغول‌اند.

یا آن‌گاه که فرزندش حسن علیه السلام را به بازی می‌گرفت، می‌فرمود:

أَشْبِهَ أَبَاكَ يَا حَسَنَ

وَ أَخْلَعُ عَنِ الْحَقِّ الرَّسْنَ
وَ اعْبُدُ إِلَهَهَا ذَامِنًا

و لا تُسْأَلُ دَا الْإِحْنَ^۱
حسن جان! به پدرت شبیه باش و ریسمان [دشمنان دین را] از [گردن] حق بیرون کن.

و خدای صاحب نیکیها و نعمتها را پرستش کن و با کینه‌توز دوستی نکن.

یا وقتی امام حسین علیه السلام را نوازش می‌کرد می‌فرمود:

أَنْتَ شَبِيهٌ بِأَبِي لَسْتَ شَبِيهًا بِعَلِيِّ^۲
تو به پدرم (رسول خدا صلی الله علیه و آله) شباهت داری

و شبیه علی نیستی.

در شعاع شعر فاطمه علیها السلام

پس از رحلت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله که غمبارترین ایام زندگی حضرت زهرا علیها السلام آغاز شد، از آن حضرت اشعار سوزناک و گویایی به یادگار مانده است که حاکی از شدت حزن و اندوهها و مصیبت‌هایی است که بر یگانه دخت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وارد شده و این اشعار به خوبی بازگوکننده حوادث دلخراشی است که در این مدت کوتاه رخ داده است.

ما در چهار بخش زیر به بررسی این اشعار می‌پردازیم:

→ چاپ سوم: تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۵۷.

۱ - محمّد باقر مجلسی، بحار الانوار، چاپ سوم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م، ج ۴۳، ص ۲۸۶؛ دیوان فاطمة الزهراء علیها السلام، قسم الدراسات الاسلامیه، مؤسسه الزهراء، بیروت، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۸ق / ۱۹۹۷م، ص ۵۴؛ محمد دشتی، فرهنگ سخنان حضرت فاطمة الزهراء، ص ۱۵۸.

۲ - ابی جعفر رشید الدین محمّد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ج ۳، ص ۳۸۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۶؛ محمد دشتی، فرهنگ سخنان حضرت فاطمة الزهراء علیها السلام، ص ۱۵۸.

الف - غم جانسوز فقدان پدر

رحلت پیامبر گرامی اسلام ﷺ بزرگ‌ترین ضربه را بر روح لطیف و پاک فاطمه وارد کرد؛ زیرا رابطه میان رسول خدا ﷺ و فاطمه ﷺ فقط یک رابطه پدری و فرزندی نبود؛ بلکه رابطه بین این دو، رابطه مرید و مراد و بر پایه مهر و محبت و عشق و صفا استوار بود و در واقع، یک رابطه بی‌نظیر معنوی و علمی و انسانی بود؛ زیرا «پیامبر در نظرگاه دخت فرزانه‌اش، از موقعیت والا و جایگاه بلند و شکوه و معنویت و صف‌ناپذیری برخوردار بود. و در برابر، فاطمه ﷺ نیز در گستره قلب مصفای پدر، بیشترین و بهترین موقعیت را از آن خود ساخته بود. فاطمه از یک سو، پدرش را نه تنها پدری پر مهر و بی‌نظیر، بلکه در همان حال، پیامبر خدا و سالار پیام‌آوران و سفیران الهی می‌نگریست و همان‌گونه که یک بانوی اندیشمند و پرواپیشه به پیامبرش احترام می‌گذارد و به شایسته‌ترین صورت از او تجلیل و تکریم به عمل می‌آورد، آن پیشوای بزرگ را احترام می‌نمود و در برابرش سراپا عشق و شعور و شناخت و اطاعت بود و از سوی دیگر، از آنجایی که دانشمندترین و متفکرترین بانو در جهان اسلام بود، از هر کس دیگر عظمت

پیامبر را بیشتر و بهتر درک می‌نمود. بر این اساس است که سوگ جانگداز و تکان‌دهنده رحلت پیامبر، آرامش و قرار و شکیبایی را از دخت پر مهر و اندیشمندش سلب نمود، چرا که او از عظمت فاجعه، از همه بیشتر آگاه بود و از حدود تأثیر این رخداد عظیم در کران تا کران هستی و روند جامعه و آینده امت و سرنوشت تاریخ و نسلهای آینده از همگان آگاه‌تر بود»^۱.

با توجه به این پیوند بسیار عمیقی که میان این پدر بی‌نظیر و بانوی یگانه وجود داشت، رحلت پیامبر گرامی ﷺ بزرگ‌ترین فاجعه و مصیبت برای فاطمه ﷺ بود، به گونه‌ای که زهرای اطهر ﷺ با همه شکیبایی که در مقابل مشکلات و مصیبتها و حوادث تلخ زندگی داشت، شکیبایی در این مصیبت را غیر ممکن می‌دید و بر این باور بود که ملامتگر را در این بی‌قراری حق سرزنش نیست:

أَمْسَى بِخَدْيٍ لِدَلْمُوعِ رُسُومٍ
أَسْفًا عَلَيْكَ وَ فِي الْفَوَادِ كُلوْمٍ
وَ الصَّبْرُ يَحْسُنُ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا
إِلَّا عَالِيكَ فَإِنَّهُ مَعْدُومٌ

۱ - سیدمحمد کاظم قزوینی، فاطمة الزهراء از ولادت تا شهادت، ترجمه علی کریمی، چاپ سوم: قم، مؤسسه نشر مرتضی، ۱۳۸۰ش، ص ۳۵۶.

لَا عَتَبَ فِي حُزْنِي عَلَيْكَ لَوْ أَنَّهُ

كَانَ الْبُكَاءُ لِمَمْلَتِي يَدُومًا

در اندوه سوگ تو، به خاطر اشکهای فراوان
بر گونه‌هایم نشانه‌هایی است و بر دلم زخمهایی.

شکیبایی در همه جا [و بر همه کس]
نیکوست؛ جز در فراق تو که شکیبایی نیست.

[بنابراین] درباره‌ اندوه من بر تو سرزنشی
نیست؛ هر چند گریه چشمانم ادامه یابد.

سنت الهی بر این قرار گرفته که مصیبت‌هایی
که بر انسانها وارد می‌شود، پس از مدتی، به

فراموشی سپرده می‌شود و دل‌های بی‌قرار، روز به
روز آرامش بیشتری پیدا می‌کنند؛ اما مصیبت

فقدان پدر برای زهرا علیها السلام گویی از این قبیل
نیست و زهرا علیها السلام تازنده بود، این مصیبت او را

بی‌تاب و قرار داشت، چنان که او غم بی‌پایان
خود را این گونه توصیف می‌کند:

إِنَّ حُزْنِي عَلَيْكَ حُزْنٌ جَدِيدٌ

وَ فُؤَادِي وَ اللَّهُ صَبٌّ عَنِيدٌ

كُلُّ يَوْمٍ يَزِيدُ فِيهِ شُجُونِي

وَ اِكْتِيَابِي عَلَيْكَ لَيْسَ يَبِيدُ

جَلَّ خَطْبِي فَبَانَ عَنِّي عَزَائِي

فَبُكَائِي فِي كُلِّ وَقْتٍ جَدِيدٌ

إِنَّ قَلْبًا عَلَيْكَ يَأْلَفُ صَبْرًا

أَوْ عَزَاءً فَإِنَّهُ لَجَلِيدٌ^۲

اندوه من بر تو [همیشه] تازه است. به خدا

قسم این دل، عاشقی لجوج و سرسخت است.

هر روز بر غم‌های من افزوده می‌شود و اندوه
من در فراق تو پایان ندارد.

مصیبت من بسی بزرگ شده و شکیبایی من
به پایان رسیده است، پس گریه من همیشه تازه

است [چرا که این مصیبت برای من همیشه تازه
است].

دلی که در عزا و مصیبت تو صبور باشد، یا
تسلیت پذیرد، بسیار شکیا و پرطاعت است.

مصیبت از دست دادن پیامبر، برای زهرا علیها السلام
آن قدر بزرگ است که هرگاه زهرا علیها السلام به یاد آن

می‌افتد، دیگر مصیبت‌ها را از یاد می‌برد:

۱- قاضی سید نورالله حسینی مرعشی شوشتری، احقاق

الحق و ازهاق الباطل، با تعلیقات آیه‌الله سید شهاب

الدین حسینی مرعشی نجفی، قم، انتشارات

کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ج ۱، ص ۴۸۳؛ کامل

سلمان الجبوری، فاطمة الزهراء علیها السلام فی دیوان الشعر

العربی، بیروت، مؤسسة المواهب للطباعة والنشر،

۱۴۹۱ق / ۱۹۹۹م، ص ۲۲.

۲- شیخ عباس قمی، زندگانی حضرت فاطمه سلام الله

علیها (ترجمه بیت الاحزان)، ترجمه سید محمد

موسوی زرنندی، چاپ ششم: تهران، کتابفروشی

اسلامیه، ۱۳۴۳ش، ص ۲۶۸؛ علامه مجلسی،

بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۶؛ دیوان فاطمة

الزهراء علیها السلام، ص ۴۱؛ کامل سلمان الجبوری، فاطمة

الزهراء علیها السلام فی دیوان الشعر العربی، ص ۱۹.

إِذَا اشْتَدَّ شَوْقِي زُرْتُ قَبْرَكَ بِأَكْبَارٍ
 أَنُوحٌ وَ أَشْكُو لَأْرَاكَ مُجَاوِبِي
 فِيَا سَاكِنَ الصَّحْرَاءِ عَلَّمْتَنِي الْبُكَاءِ
 وَ ذِكْرَكَ أَنَسَانِي جَمِيعَ الْمَصَائِبِ
 فَإِنِ كُنْتُ عَنِّي فِي التُّرَابِ مُغَيَّباً
 فَمَا كُنْتُ عَن قَلْبِي الْحَزِينِ بِغَائِبٍ^۱
 هرگاه شوق و اشتیاق من [به تو] زیاد شود،
 با چشمان گریان، قبر تو را زیارت می‌کنم و [بر
 مزار تو] نوحه‌سرای می‌کنم و [از مصائبی که بر
 من وارد شده] شکوه می‌کنم؛ با آنکه تو را
 پاسخ‌دهنده‌ام نمی‌بینم.
 ای ساکن صحرا! گریستن را به من آموختی
 و یاد تو همه مصیبتها [ای مرا] به فراموشی
 سپرده است.
 اگر تو در دل خاک قرار گرفته و از دیدگان من
 غایب شده‌ای، [ولی بدان که] از قلب اندوهگین
 من [هرگز] غایب نگشته‌ای.

ب - عزای عالم در غم

فقدان آخرین پیامبر خدا

فاطمه زهرا علیها السلام پس از رحلت حضرت
 ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله جهان را تیره و تار و عزادار
 می‌بیند و شرق و غرب عالم و آسمان و زمین
 و همه موجودات، اعم از جاندار و بی جان را
 شایسته گریستن می‌داند. او پس از دفن پیکر پاک

پیامبر صلی الله علیه و آله جهان پس از غروب آفتاب نبوت را
 این گونه معرفی می‌فرماید:
 إِغْبِرَّ أَفَاقَ السَّمَاءِ فَكُوِّرَتْ
 شَمْسُ النَّهَارِ وَأَظْلَمَ الْعَصْرَانِ
 وَ الْأَرْضُ مِنْ بَعْدِ النَّبِيِّ كَتِيبَةٌ
 أَسْفَأَ عَلَيْهِ كَثِيرَةُ الْأَحْرَانِ
 فَلَيْبِكِهِ شَرْقُ الْبِلَادِ وَ غَرْبُهَا
 وَلَيْبِكِهِ مُصْرَوُّ كُلِّ يَمَانِ
 وَلَيْبِكِهِ الطُّورُ الْمُعْظَمُ جَوْهُ
 وَ الْبَيْتُ ذُو الْأَشْتَارِ وَ الْأَرْكَانِ
 يَا خَاتَمَ الرُّسُلِ الْمُبَارَكِ ضَوْؤُهُ
 صَلَّى عَلَيْكَ مُنَزَّلَ الْقُرْآنِ^۲
 کرانه‌های آسمان غبارآلود شده و خورشید
 بی‌فروغ، و شب و روز ظلمانی گردیده است.
 زمین پس از [رحلت] پیامبر، اسفناک
 و اندوهناک و بسیار غمناک شده است.

۱ - علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۵۴۷؛ دیوان
 فاطمة الزهراء سلام الله عليها، ص ۳۷؛ کامل سلمان
 الجبوری، فاطمة الزهراء سلام الله عليها فی دیوان الشعر
 العربی، ص ۱۷.

۲ - علی بن محمد بن احمد مالکی مکی مشهور به ابن
 صباغ، الفصول المهمة فی معرفة الائمة علیهم السلام، مکتبه
 دار الکتب التجارية نجف - مؤسسة الاعلمی تهران،
 ص ۱۴۸؛ قاضی نور الله شوشتری، احقاق الحق
 و ازهاق الباطل، ج ۱۰، ص ۴۳۴؛ محمد دشتی،
 فرهنگ سخنان حضرت فاطمة الزهراء علیها السلام، ص ۱۶۳.

پس شرق و غرب عالم و هر مضرى
و یمنى سزاوار است که در سوگ پیامبر بگرید.
و آسمان کوه عظیم طور و خانه خدا که
دارای پرده‌ها و رکنهاست، باید بر پیامبر بگریند.
ای خاتم پیامبرانى که نور تو مبارک است،
دروء نازل‌کننده قرآن بر تو باد.

حضرت فاطمه علیها السلام در ابیات دیگری
خطاب به پدر می‌فرماید:

يَا رَسُولَ الْإِلَهِ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ
وَ كَهْفَ الْيَتَامِ وَ الضُّعْفَاءِ
قَدْ بَكَتَكَ الْجِبَالُ وَ الْوَحْشُ جَمْعاً
وَ الطَّيْرُ وَ الْأَرْضُ بَعْدَ بَكَى السَّمَاءِ
وَ بَكَاءِ الْحُجُوجِ وَ الرُّكُنِ وَ

الْمَشْعَرِ يَا سَيِّدِي مَعَ الْبَطْحَاءِ^۱
ای رسول خدا! و ای برگزیده خدا! و ای پناه
یتیمان و ضعیفان!

کوهها و حیوانات وحشى و پرندگان
و زمین، همه بعد از گریستن آسمان بر تو گریه
کردند.

ای سرور من! حجوج و رکن و مشعر
و سرزمین بطحاء بر تو گریستند.

ج - رخدادهای سوزناک پس از

غروب خورشید نبوت

پس از غروب آخرین خورشید نبوت،

حوادث دردناک و تکان‌دهنده‌ای در عالم اسلام
رخ داد که قلب داغدار فاطمه علیها السلام را به شدت
جریحه‌دار کرد. یگانه دخت پیامبر گوشه‌هایی از
این حوادث مصیبت‌بار را در قالب ابیاتی این
گونه بیان می‌کند:

قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَ هَسْبِنَهُ
لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ تَكْبُرِ الْخَطْبُ
إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَفَقَدَ الْأَرْضُ وَابِلَهَا
وَ أَحْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدَهُمْ فَقَدْ نَكَبُوا
وَ كُلُّ أَهْلِ لَهْ قُرْبَى وَ مَنْزِلَةٌ
عِنْدَ الْإِلَهِ عَلَى الْأَدْنَيْنِ مُقْتَرِبٌ
أَبَدَتْ رِجَالٌ لَنَا نَجْوَى صُدُورِهِمْ
لَمَّا مَضَيْتِ وَ حَالَتْ دُونَكَ التَّرْبُ
تَجَهَّمْتَنَا رِجَالٌ وَ اسْتُخِجَفَ بِنَا
لَمَّا قُودَتْ وَ كُلُّ الْأَرْضِ مُغْتَصَبٌ^۲

۱ - عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم
و المعارف و الاحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال
فاطمة الزهراء، تحقیق مدرسه امام مهدی در حوزه
علمیه قم زیر نظر محمد باقر موحد ابطحی
اصفهانی، اصفهان، مکتبه الزهراء العامة، ۱۴۰۵ق /
۱۳۶۰ش، ج ۱۱، ص ۲۵۹؛ علامه مجلسی،
بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۷.

۲ - ابی منصور طبرسی، الاحتجاج، تحقیق ابراهیم
بهادری و محمد هادی با اشرف استاد جعفر
سیحانی، چاپ دوم: تهران، انتشارات اسوه،

[پدرجان!] بعد از تو رویدادها و فتنه‌های درهم پیچیده‌ای رخ داد که اگر تو در کنار ما بودی، این رخدادهای ناگوار، این قدر بزرگ نمی‌شد.

ما تو را از دست دادیم و به سان سرزمین [تشنه‌ای] که از نعمت باران محروم گردد، از نعمت وجود تو محروم گردیدیم. و امت تو آشفته و نابسامان و [از راه حق و عدالت] منحرف شدند.

هر خاندانی که نزد خدا قرب و منزلتی دارد در نظرگاه آنهایی که به خدا نزدیک‌ترند، نیز مقرب و محترم است.

مردانی چند [از امت تو] همین که رفتی و پرده خاک میان ما و تو فاصله انداختند اسرار سینه‌ها را آشکار کردند.

همین که تو رفتی مردانی به ما روترش کردند و ما را کوچک شمردند و همه زمینهای ما غصب شد.

همان گونه که ملاحظه شد، فاطمه زهرا علیها السلام در این ایات، به چند حادثه مهم و مصیبت‌باری که بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رخ داده است، به طور اجمال و سربسته اشاره می‌کند؛ مثلاً در بیت دوم زهرا علیها السلام از آشفته‌گی جامعه اسلامی و انحراف امت مسلمان از راه حق و عدالت سخن می‌گوید؛ چون در این دوره است که مردم آشفته و سرگردان شدند و از یاری جانشین بحق

پیامبر صلی الله علیه و آله دست برداشتند و پایه‌های مستحکم امت یکپارچه اسلامی را که پیامبر بنا نهاده بود، به شدت متزلزل و خدشه‌دار کردند و در واقع، شالوده تفرقه و ایجاد فرقه‌های متعدد اسلامی، ریخته شد و زهرا سلام الله علیها با عبارت کوتاه «و اختل قومك فاشهدهم فقد نكبوا» به صورت مجمل و سربسته به این مطلب دردناک اشاره کرده است.

در ایات چهارم و پنجم، زهرا علیها السلام از آغاز بدرفتاری افرادی از امت با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله سخن می‌گوید و به طور ضمنی یادآور می‌شود که برخی از رجال امت پیامبر در زمان حیات آن حضرت، ابراز محبت آنها نسبت به رسول‌گرامی و خاندان وی در ظاهر بوده است، ولی در واقع، کینه آنها را در دل داشتند و به محض اینکه روح بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله به ملکوت اعلی پیوست، کینه‌های دیرینه خود را آشکار کردند و در مقابل یگانه دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله چهره درهم کشیدند و خاندان پیامبر را تحقیر کردند و برای تضعیف بنیه اقتصادی و به تبع آن، تضعیف قدرت سیاسی، ملکی را که پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها بخشیده

→ ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۳۹، ۲۴۰ و ۲۷۹؛ محمد دشتی، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه الزهراء سلام الله علیها، ص ۱۶۴؛ شیخ عباس قمی، زندگانی حضرت فاطمه سلام الله علیها، ص ۲۰۸ و ۲۴۴.

بود، غضب کردند.

حضرت زهرا علیها السلام در ابیات دیگری می‌فرماید: تا پیامبر صلی الله علیه و آله زنده بود، ما در حمایت و حفاظت او با عزت و احترام به سر می‌بردیم و هیچ کس جرئت نمی‌کرد کوچک‌ترین تعرضی به ما داشته باشد؛ اما هم اکنون گرفتار انسانهای فرومایه و ستمگر شده‌ایم و از آنجا که یار و یآوری نداریم تا از ما دفاع کند، به ناچار برای دفع ظالمان به جامه خود متوسل شده، بار دای خویش ستمگران را از خود می‌رانیم:

فَدَكُنْتُ ذَاتَ حِمِّي بِظُلْمِ مُحَمَّدٍ

لَا أَحْشَ ضَمِيمًا وَكَانَ جَمَالِيَا

فَالْيَوْمَ أَحْشَعُ لِلذَّلِيلِ وَآتَقِي

ضَمِيمِي وَادْفَعُ ظَالِمِي بِرِدَائِيَا^۱

من در سایه محمد صلی الله علیه و آله در حمایت و حفاظت به سر می‌بردم و در حالی که او جمال و زینت من بود، از هیچ ظلم و ستمی نمی‌ترسیدم.

[ولی] امروز [از روی ناچاری] در مقابل

فرومایگان خاشع و می‌هراسم که به من تعدی شود، پس ستمگر را بار دای خویش می‌رانم.

و اوضاع نابسامان بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله

را این گونه توصیف می‌کند:

وَ بَكَكَ المَحْرَابُ وَ الدَّرْسُ لِلْقُرْ

آن فِي الصُّبْحِ مُعْلِنًا وَ المَسَاءِ

وَ بَكَكَ الإسلامُ إِذْ صَارَ فِي

النَّاسِ غَرِيبًا مِنْ سَائِرِ الغُرَبَاءِ

لَوْ تَرَى المُنْبَرَّ الَّذِي كُنْتَ تَعْلُوهُ

عَلاهُ الظَّلَامُ بَعْدَ الضُّبَاءِ

يا إلهي عَجَّلْ وَفَاتِي سَرِيعًا

فَلَقَدْ تَنَغَّصَتِ الحَيَاةُ يا مَوْلَانِي^۲

محراب و [محل برگزاری] درس قرآن، به طور آشکارا، به هنگام صبح و شام [از فرار] تو گریه کردند.

و اسلام بر تو گریست؛ زیرا [بعد از مرگ تو]

در میان مردم [و امت]، غریبی از جمله غریبان شد.

ای کاش! می‌دیدي آن منبری را که بر بالای

آن قرار می‌گرفتی، بعد از روشنایی و نور، ظلمت و تاریکی بر روی آن قرار گرفت.

خدای من! مرگ مرا زود برسان؛ زیرا ای

مولای من! زندگی من تیره و تار شده است.

۱- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۴۲؛

سلمان کامل الجبوری، فاطمة الزهراء سلام الله علیها فی دیوان الشعر العربی، ص ۲۳.

۲- بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال

من الآیات و الاخبار و الاقوال فاطمة الزهراء، ص

۲۵۹؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۷.

با وجود همه مصیبت‌ها و بلاها و فجایعی که بر اسلام و مسلمانان وارد شد، زهرا علیها السلام معتقد است دشمن نمی‌تواند اسلام را نابود کند و نام محمد صلی الله علیه و آله را از صفحه روزگار محو نماید، بلکه با مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله و گذشت زمان، نه تنها یاد او از خاطره‌ها نمی‌رود، بلکه یاد او روز به روز در دلهای زنده‌تر و با عظمت و تجلیل بیشتر از پیامبر یاد می‌شود. فاطمه علیها السلام در این خصوص می‌فرماید:

إِذَا مَاتَ يَوْمًا مَيِّتٌ قَلَّ ذِكْرُهُ

وَ ذِكْرُ أَبِي مُدُّ مَاتَ وَاللَّهِ أَزِيدُ

هرگاه کسی بمیرد یاد او [روز به روز] کم می‌شود، در حالی که به خدا قسم، از روزی که پدر من درگذشته است [روز به روز] یاد او فزونی می‌یابد.

شعر آن بانو این آیه قرآن را به یاد می‌آورد که خداوند می‌فرماید:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^۱

می‌خواهند نور خدا را با دهنهایشان خاموش کنند و خداوند کامل کننده نور خود می‌باشد؛ هر چند کافران کراهت داشته باشند.

درست است که بدخواهان نمی‌توانند نور خدا را که در اسلام محمدی تجلی کرده، خاموش کنند، اما ممکن است فجایع و مصیبت‌های بزرگی

را برای پیروان واقعه اسلام ایجاد کنند. یکی از نمونه‌های بارز آن واقعاً جانسوز کربلا بود و فاطمه زهرا علیها السلام در ضمن اشعار خود، در دو جا به این مطلب اشاره کرده است:

یکی آنجایی است که گرسنه‌ای در منزل امام علی علیه السلام را می‌کوبد و تقاضای کمک می‌کند و امام علیه السلام در قالب اشعاری زیبا نیازمندی آن بینوارا به حضرت فاطمه علیها السلام بازگو می‌فرماید و تذکر می‌دهد اگر امکان دارد کمک مناسبی شود و حضرت زهرا با شعر چنین پاسخ می‌دهد:

فَسَوْفَ أُعْطِيهِ وَ لِأَبِي

وَ أَوْثَرُ اللَّهِ عَلَيَّ عِيَالِي

اُمَسُو جِيَاعًا وَ هُمُ أَشْبَالِي

أَصْعَرُهُمْ يُقْتَلُ فِي الْقِتَالِ

بِكَرْبَلَا يُقْتَلُ بِأَعْيَالِي

لِقَاتِلِيهِ الْوَيْلُ مَعَ وَبَالِ

يَهْوِي بِهِ النَّارُ إِلَى سَفَالِ

كُبُولُهُ زَادَتْ عَلَيَّ الْأَكْبَالِ^۲

به زودی به او طعام خواهم داد و [از گرسنگی خود و فرزندانم] باکی ندارم و [خشنودی] خداوند را بر خانواده‌ام

۱- صف / ۸

۲- امالی شیخ صدوق، با مقدمه و ترجمه آیه الله کمره‌ای، چاپ پنجم: تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۰ش، ص ۲۵۹.

برمی‌گزینم.

[خاندانم] با گرسنگی شب را گذرانند با اینکه اینها فرزندان من هستند؛ فرزندان منی که کوچک‌ترین آنها (حسین)، در میدان جنگ کشته خواهد شد.

[او] در کربلا، با حيله و تزوير کشته خواهد شد و مرگ و هلاکتی که همراه با بد عاقبتی است، از آن قاتلان اوست [پس وای بر قاتلان بدعاقبت و پست او].

آتش دوزخ قاتلان او را در پستی و نکبت می‌اندازد و آنها را در بدترین موضع خود جای می‌دهد [و در دوزخ هر لحظه] بر غل و زنجیرهای آنها افزوده می‌شود.

و مورد دوم آنجایی است که فاطمه علیها السلام به یاد پرواز ملکوتی خود می‌افتد و خطاب به شوهرش علی علیه السلام می‌فرماید:

إِبْكِينِي إِنْ بَكَيْتَ يَا خَيْرَ هَادِي
وَ أَسْبِلِ الدَّمَعَ فَهَوَّ يَوْمَ الْفِرَاقِ
يَا قَرِينَ الْبُتُولِ أَوْصِيكَ بِالنَّسْلِ
فَقَدْ أَصْبَحَا حَلِيفَ أَشْتِيَاقِ

إِبْكِينِي وَ أَنْبِكِ لِئَلِيْتَامِي وَ لَا

تَنْسُ قَتِيلَ الْعَدَى بِطَفِّ الْعِرَاقِ
فَارْقُوا فَأَصْبَحُوا يَتَامَى حَيَارَى

يَحْلِفُ اللَّهُ فَهَوَّ يَوْمَ الْفِرَاقِ^۱
ای بهترین هدایت‌کنندگان! اگر خواستی گریه

کنی بر من گریه کن و اشکها را سرازیر کن که امروز روز جدایی است.

ای همسر بتول! تو را به فرزندانم سفارش می‌کنم؛ آنها همدم شوق و محبت شده‌اند [و شایسته نیست که جز با محبت با آنها رفتار شود].

بر [مظلومیت] من و یتیمان گریه کن و کشته دشمنان در سرزمین کربلا را فراموش نکن.

در حالی که یتیمان [فرزندم حسین] سرگردان هستند؛ از او جدا می‌شوند، سوگند که آن روز روز جدایی است.

د - اندوههای پیاپی و آرزوی مرگ

از آخرین روزهای زندگانی صدیقه کبری، فاطمه زهرا علیها السلام، اشعاری به جای مانده است که نشان می‌دهد بعد از رحلت جانگداز پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، فقط داغ فقدان پدر، زهرا علیها السلام را رنج نمی‌دهد، بلکه مصیبت‌های جانکاه متعددی به طور پیاپی بر او وارد می‌شود که اگر بر روزگار

۱ - علی حیدر المؤید، دیوان اهل البیت، کویت، دارالعلوم للتحقیق و الطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۲م، ص ۳۲۳؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۸؛ بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال فاطمة الزهراء، ص ۲۶۱.

وارد می‌شد، روزگار تیره و تار می‌گردید و خدا می‌داند که در این دو سه ماه، بر زهرا علیها السلام چه گذشته است، به طوری که این بانوی بردبار و صبور، با وجود داشتن فرزندان خردسال و معصوم همچون حسن و حسین و زینب و ام کلثوم و شوهر برومندی همچون علی علیه السلام، در عنفوان جوانی، آرزوی مرگ کرد و از ادامه زندگی به شدت هراسان شد و این گونه سرود:

صُبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبُ لَوْ أَنَّهَا

صُبَّتْ عَلَيَّ الْأَيَّامِ صِرْوَنَ لَيْالِيَا

نَفْسِي عَلَي زُفْرَاتِهَا مَحْبُوسَةً

يَا لَيْتَهَا خَرَجَتْ مَعَ الزُّفْرَاتِ

لَا خَيْرَ بَعْدَكَ فِي الْحَيَاةِ وَإِنَّمَا

أُبْكِي مَخَافَةَ أَنْ تَطُولَ حَيَاتِي^۱

مصیبت‌هایی بر من وارد شده که اگر بر روزها وارد می‌شد، همچون شب [تیره و تار] می‌شد.

[به جانم ریخته چندان غم و درد و مصیبت‌ها که گر بر روزها ریزند، گردد تیره چون شبها]^۲ جان من گویی جز آه و ناله کاری ندارد، ای کاش جان من، همراه با آه و ناله از بدنم خارج می‌شد.

[پدر جان!] بعد از تو در زندگی خیری نیست؛ گریه می‌کنم از بیم آنکه مبادا بعد از تو، زنده ماندنم طولانی شود.

تأمل در اشعار جانسوز فاطمه زهرا علیها السلام، ما را به این امر رهنمون می‌سازد که هر چند آن حضرت در صدد سرودن شعر نبوده، اما با توجه به مصیبت‌ها و حوادث دردناکی که با رحلت پیامبرگرمی اسلام صلی الله علیه و آله در مرکز جهان اسلام رخ داد، دخت پیامبرگرمی، برای بیان حقایق و روشن نمودن اذهان مسلمانان از حربۀ شعر که مؤثرتر و گویاتر است استفاده کرد و پاره‌ای از رخدادهای ناگوار و جانسوز را در قالب اشعار زیبایی بیان کرد. و از آنجا که از دست دادن پدری همچون پیامبرگرمی، بیش از هر کس، زهرا علیها السلام را متألم ساخت، او اشعاری غمناک در سوگ پدر سرود. به همین جهت، بیشترین اشعار منسوب به فاطمه زهرا علیها السلام مربوط به دوران زندگانی بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد.

①

۱ - محمد دشتی، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه الزهراء

سلام الله علیها، ص ۱۶۷.

۲ - همان.